

ذرات گرم حس

شهلا آقاپور



shahla@aghapour.de

شهلا آقاپور: ذرات گرم حس
(گزینه ی اشعار اجتماعی و فلسفی 1370-1380)

چاپ اول 1384

نشر "آیدا" آلمان

103 صفحه

ذرات گرم حس

ذرات گرم حسی
شناور در آب،
زلالی چشمان تو
در خاطر
طراحی می شوند.

*

عمیقترین فریادهای
درونی ام را
در آب می بینم.

*

انگار
گذشته و حال زندگیم
درهم ادغام
و موهای پریشان من
در آینه ی اندوه
ناگهان سپید می شوند.

*

ذراتِ گرمِ حسی
شناور در آب،
زلزله‌ی چشمان تو
در خاطر
طراحی می‌شوند
*

پیام تولد پروانه‌ای
رها از تارهای پیله‌ی ابریشمی‌اش،
پرواز کنان
بُدهای نوینِ دیگری
آغاز می‌کند
*

می‌گفت...
نگران نباش
*

جدائی‌ام
از تارهای پیله‌ی ابریشمی
پایان من نیست
*

اکنون پروانه‌ای
هستم آزاد...
*

اما موهای پریشان من
در آینه‌ی آندوه
ناگهان سپید می‌شوند
*

با شکیبایی
به خودمی‌گویم
مرا
چه دردی ست
او پروانه‌ای ست
آزاد.
*

مرا چه دردی ست ...